

دین آغاخان؟!

تصمیم داشتیم خاطرات مندرجه در مجله ماهانه «المسلمون» را که بقلم استاد «دکتر سعید رمضان» نوشته میشد و حادی نکته‌های حساسی بود ترجمه کنیم تا در ماهنامه «راه حق» چاپ شود، اما متأسفانه مدتیست که از مجله المسلمون خبری نیست، و شاید که جریانات داخلی جمهوری متحده عربی و اختلافات فکری رجال جمهوری متحده، با اداره کنندگان تشکیلات «المسلمون» موجب عدم انتشار آن، که جامعترین مجلات اسلامی عربی بود، گشته است.

و روی همین اصل در چند شماره گذشته، موفق بدرج ترجمه «خاطره» نشدیم، ولی خوشبختانه چند روز قبل نشریه‌ای تحت عنوان «خواطر» برای ما از «مکتبه المسلمون» رسید که حاوی (۳۰) خاطره مندرجه در ۳۰ شماره گذشته المسلمون، بود که بیاری خدا تدریجاً آنها را ترجمه کرده، و برای توضیح و بیان آنها، با اضافه مقدماتی، در راه حق درج میکنیم.

رتال جامع علم خلیف و شاهی قم . حوزه علمیه

مسخنی درباره اسمعیلیه

مقدمه :

فرقه اسمعیلیه یکی از فرقی است که در اسلام بوجود آمده و متأسفانه از فرق «تشیع» نیز محسوب میشود!

ولی چنانکه تاریخ بما نشان میدهد . پیدایش اسمعیلیه در اسلام علل سیاسی داشت، و رجال غاصب آنروز برای تحکیم موقعیت متزلزل خود بعد از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام خواستند با جعل «امام سیاسی» از نفوذ امام هشتم جلوگیری کنند ...

والبتہ چنانچہ میدانیم «تاریخ همیشه تکرار میشود»، منتہا باین فرق کہ در آنروز
رجال داخلی! باصطلاح خلفاءغاصب از اسمعیلیہ بنفع خود، وعلیہ مردم استفادہ میکردند،
و امروز رجال خارجی واستعمارگران مدافع شرق! از این حربہ سیاسی، خصوصاً برای
ایجاد تفرقہ بین مسلمین، وخرافی نشان دادن مکتب تشیع، استفادہ میکنند .
اکنون در اروپا و امریکا، اسلام را دین آغاخان و دین نایب جوان جدیدی میدانند
کہ آغاخان نصب کردہ است ...

واین وظیفہ ماست کہ بوسیلہ نشریات گوناگون وارسال مبلغین کامل باروپا و امریکا،
اسلام را آنطور کہ هست بمردم آنسامان معرفی کنیم، درغیر اینصورت، وباوجود وسائل
مجهز تبلیغاتی کہ ما امروز میتوانیم از آنها استفادہ کنیم، هیچگونہ عذر موجهی معلوم
نیست کہ پیشگاہ خدا ورسول خدا داشنہ باشیم . .
اینک ترجمہ خاطرہ ای از دین آغاخان ::

سجاده نماز و کار پیرزن:

وقتی کہ باطاق خودم در هتل «سان مورٹیز» در نیویوک وارد شدم، سجاده نماز را
دیدم کہ روی رختخوابم پهن شدہ، درحالیکہ من موقع رفتن آنرا جمع کردہ و در گوشہ
ای گذاشتہ بودم . ولی زودفہمیدم کہ این کار، کار آن پیرزن، خادم هتل است .

چیزی نگذشت پیرزن کہ از ورود من مطلع شدہ بود آمد و ازاینکہ من آنرا جمع کردہ
و از آن سجاده زیبا استفادہ نمیکنم ناراحت شد و بن اعتراف کرد، و وقتیکہ دومرتبہ مشغول
پهن کردن آن بود میگفت :

آقا، مگر این برای تزئین و زیبائی اطاق نیست؟! چرا پس بیخود با خود آنرا حمل
میکنید؟! من دوست داشتم کہ همچو چیزی در خانہ داشتم باشم! گفتم این سجاده نماز و عبادت
است و برای تزئین اطاق نیست، پیرزن از عمل بجای خود ناراحت شد و گفت، آقا خیلی
معذرت میخواہم، و جدأ متأسف شدم و اصولاً این موضوع بفکر من نرسید .. ولی ممکنست
بفرمائید کہ دین شما چیست؟! .. گفتم : اسلام ...

خواست زودتر از اطلاعاتی کہ در بارہ اسلام داشت! استفادہ کند، و بلافاصلہ گفت .. آہ
دین آغاخان! ... در بارہ آغاخان مطالبی خواندہ ام .. ولی از اینکہ اخیراً «در پتاه پورت» از
«علی» طلاق گرفتہ متأسفم !! ولی آقا ناراحتی ندارد بزودی یکی دیگر پیدا میکند! دنیا پر
است از هنر پیشہ!! آقا . مثل اینکہ این پیرزن میخواست گوشہ ای بما بزند و مسخرہ کند، اما
چہ زود متوجہ اشتباہ خود شد زیرا من بلافاصلہ گفتم، اما ما ارزشی با اسلام آغاخان قائل نیستیم ..
اسلام یک چیز است و آغاخانها چیز دیگر .. (بعد مختصری در بارہ حقایق اسلام با او مذاکرہ

کردم)، پیرزن متعجب شد و گفت خوب.. خیلی خوب! امامگر آغاخان رئیس و شاه مسلمانها نیست؟! گفتم نه.

گفت خیلی معذرت میخواهم. ببخشید، ماهیچ نمیدانستیم. و علاوه همه روزنامه‌های امریکا، اینطور مینویسند، و هر فرد امریکائی هم چنین میداند، پس شما چرا اقدامی در این باره و برای رفع سوء تفاهم نمیکنید؟! خیلی بجا است که شما آنچه را که اکنون درباره اسلام گفتید در روزنامه‌ها منتشر کنید. گفتم، برای همین موضوع با امریکا آمده‌ام؛ پیرزن درحالیکه متأثر شده بود و احترام خاصی بمن میگذاشت از اطاق بیرون رفت.



در کنیسه فرجینی!

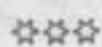
برای ایراد خطابه‌ای در «کنیسه فرجینی» دعوت داشتم، قسیس جوانی ایستاد و مرا بحضور نشان داد و گفت: نمیخواهم ناطق را بشما معرفی کنم، این را اکنون شخص دیگری انجام میدهد، اما من میخواهم دین ناطق را بشما معرفی کنم!

این «قسیس» ناطق ما، اسلام است و پیغمبر اسلام محمد است و وقتی که محمد آمد در شبه جزیره عربستان ۱۸ خدا بود که مردم بآنها عبادت میکردند، اسم یکی از آنها الله (ALLAH) بود و محمد این «الله» را اختیار کرد و گفت همه باید باین خدا عبادت کنند!..

نوبت بمن رسید

وقتی گفتم من «قسیس» نیستم و در اسلام «راهب» و «قسیس» نیست همه حضار متعجب شدند، و وقتی که گفتم اطلاعاتی که آقای قسیس درباره اسلام گفتند، برای اولین بار است که من امروز درباره اسلام شنیدم، همه برای آقای قسیس خندیدند.

سپس درباره اسلام صحبتی کردم، همه حضار از اینکه مطالب تازه‌ای در باره اسلام می‌شنیدند، متعجب میشدند و تحسین میکردند، و بعد از آنکه صحبت من تمام شد، همه می‌خواستند که با من مصافحه کنند و حتی بسیاری از آنها از من نسخه‌ای از قرآن مترجم با انگلیسی میخواستند...



در اروپا و آمریکا، اسلام را اینطور شناخته‌اند... و اینطور هم معرفی شده است... اینها چطور برای کفرشان باید بخدا حساب بدهند؟ و ما چطور اینها را اگر غضب آلود با نگاه کنند، چنانکه میکنند حساب کنیم؟

وبالاتر از همه ، روز دستخیز مردم مسلمان چه جوابی برای خدا ، و قتیکه از مسئله نگهداری
اما نه تبلیغ همه مردم دنیا بسوی اسلام ، سؤال کنید ، خواهند داشت ؟ البته بعد از
سؤال از چگونگی اما نه اسلام درباره خودشان و اوضاع داخلیشان !! آری! چه سنگین
باری بدوش داریم و چه حساب طولانی در پیش !

پایان ترجمه

در راه انقلاب فکری

سیستم اقتصادی اسلام

کتاب فوق الذکر که در باره یکی از اساسی ترین مسائل روز نوشته شده و با سبکی
پسندیده چاپ گردیده اخیراً بدفتر نشریه رسیده است
نویسنده دانشمند این کتاب جناب آقای سید عبدالرضا حجازی از فضلاء حوزه علمیه
قم و از نویسندگان ممتاز میباشند این کتاب مستطاب در باره کابیتالیسم، کمونیسم، اقتصاد
اسلام در چند بخش و قسمت بطور مفصل بحث می کند مطالعه این کتاب بر همه مخصوصاً
دانشجویان و آنان که با پیروان مکتب فادی دست بگریبان وجوبای حقیقت هستند بسیار
لازم و ضرور است

مزید توفیق مؤلف دانشمند را از خداوند خواستار است